در «قاب‌کوچک» بخوانید:
برنامه‌های فصل رنگی تلویزیون

گفت‌وگو با زهرا خواجوی، دروازه‌بان تیم ملی فوتبال ایران
شاید روزی بازیگر شوم

جام جم
روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران
www.jamejamdaily.ir
شنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۹ | ۱۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۷۹۱ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Saturday - October 31, 2020

۴

گزارش جام جم از کالاهایی که به‌دلیل وابستگی به واردات در بازار کمیاب شده‌اند

وابستگی‌های کوچکِ بزرگ

۳

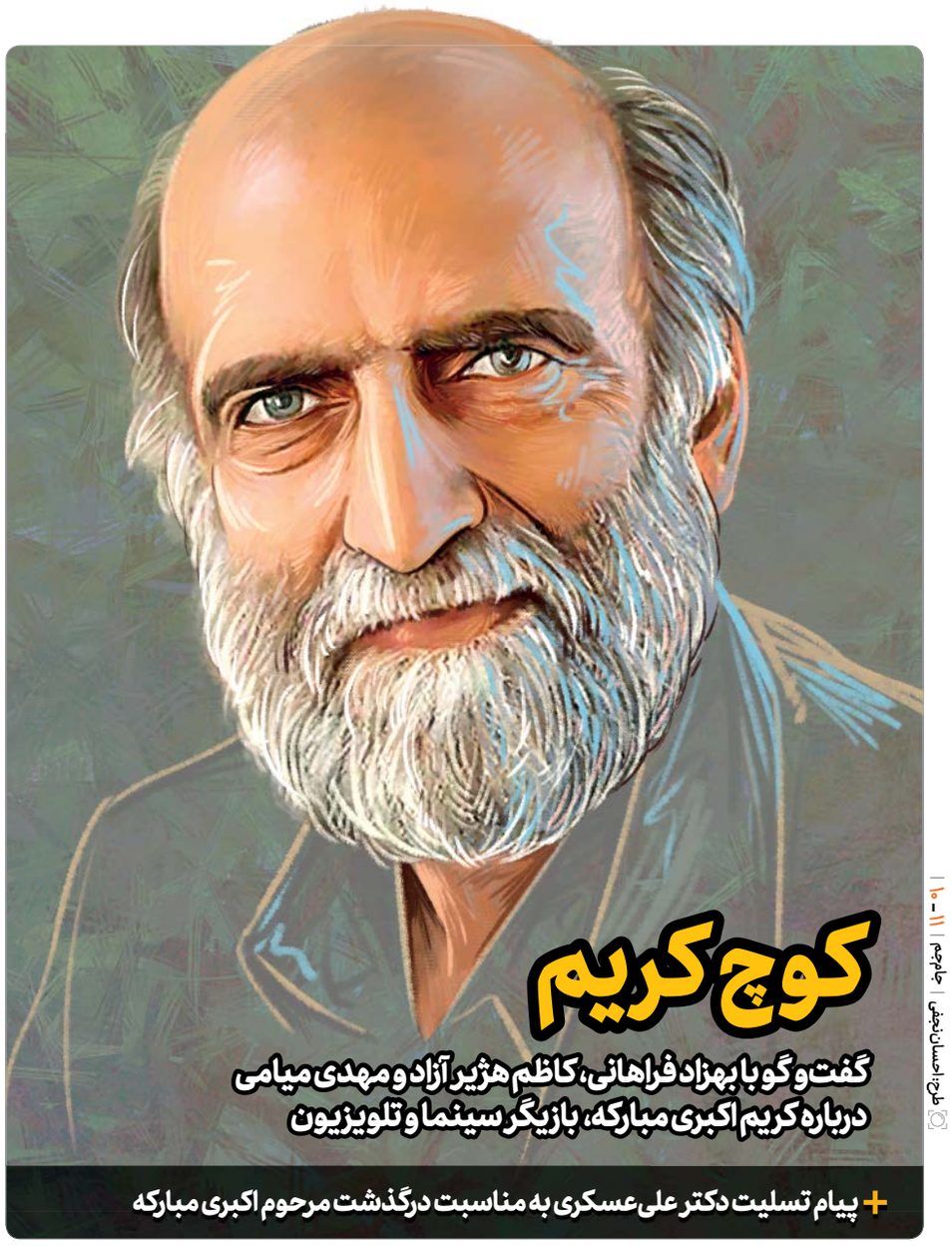

کوچ کریم

گفت‌وگو با بهزاد فراهانی، کاظم هژیر آزاد و مهدی میامی درباره کریم اکبری مبارکه، بازیگر سینما و تلویزیون

+ پیام تسلیت دکتر علی عسکری به مناسبت درگذشت مرحوم اکبری مبارکه

طرح: احسان نجفی | ۱۰ - ۱۱ | جام جم

ویژه‌ها

گزارش جام جم از فرامتن پیام رهبر انقلاب به جوانان فرانسوی

راهبرد «دعوت»

به‌دنبال تحولات اخیر در فرانسه و تکرار بی‌حرمتی‌ها به مقدسات مسلمانان در این کشور که به اسم آزادی بیان صورت می‌گیرد، رهبر انقلاب در توییتر پیامی خطاب به جوانان فرانسه صادر کردند؛ پیامی کوتاه که فقط از جوانان این کشور می‌خواست چند سوال از رئیس‌جمهور کشورشان بپرسند. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در این پیام از جوانان فرانسه خواسته‌اند از رئیس‌جمهور خود بپرسند: چرا از اهانت به پیامبر خدا حمایت می‌کند و آن را آزادی بیان می‌شمارد؟ آیا معنی آزادی بیان این است: دشنام و اهانت، آن هم به چهره‌های درخشان و مقدس؟ آیا این کار احمقانه، توهین به شعور ملتی نیست که او را به ریاست خود انتخاب کرده است؟ سوال بعدی این است که چرا تردید در هولوکاست جرم است؟ و اگر کسی چیزی در این باره نوشت باید به زندان برود اما اهانت به پیامبر آزاد است؟

۲

امن، مثل خانه ما

گفت‌وگو با کارگردان، تهیه‌کننده و بازیگران مجموعه «خانه امن» که از امشب روی آنتن شبکه یک می‌رود

عکس: سمیرا بختیاری | ۶ - ۷

انتشار چند خبر و ویدئوی ناراحت‌کننده در روزهای اخیر از آزادی متجاوزان به حقوق حیوانات حکایت دارد

وحشت حیات وحش از انسان

۱۸

زلزله مهیب ظهر دیروز در ترکیه بیش از ۱۲ کشته و ۴۰۰ زخمی برجای گذاشت و ۷۰ مصدوم از زیر آوار نجات یافتند

وحشت زمین لرزه در ازمیر

۱۹

یادداشت

دوئلی فراتر از انتخابات

دکتر مراد عنادی

تحلیلگر ارشد مسائل سیاسی و رسانه

رقابت ترامپ و بایدن در حالی وارد روزهای نفسگیر خود شده که به نظر می‌رسد این انتخابات بیش از آن که رقابت دو نامزد دموکرات و جمهوریخواه برای ورود به کاخ سفید باشد، دوئلی بر سر آینده آمریکاست. چارلز بلو، ستون‌نویس نیویورک تایمز در یادداشت روز یکشنبه ۲۵ اکتبر نوشت: «انتخابات آمریکا، قلب این کشور را مورد آزمون قرار خواهد داد. ما در آغاز یک جنگ نرم داخلی هستیم، اگر ۲۰۱۸ آغاز آن بود، اکنون به خوبی در حال انجام است.»

در سال ۲۰۰۰ و در گرماگرم کارزار انتخابات ریاست جمهوری آمریکا جورج دبلیو بوش با ۲۷۱ رای الکترال بر ال گور دموکرات با ۲۶۶ رای پیروز شد، این در حالی بود که ال گور با ۵۰ میلیون و ۹۹۹ هزار و ۸۷۹ رای مردمی از بوش پسر که ۵۰ میلیون و ۴۵۶ هزار و ۲۰۰ رای کسب کرده بود نزدیک به ۵۰۰ هزار رای بیشتر داشت. برای بررسی این موضوع مصاحبه‌ای با مرحوم پروفسور روح‌ا... رمضانی از اساتید برجسته و صاحب نظر مسائل آمریکا داشتم که سالیان طولانی مقیم این کشور بود. وی در پاسخ به سوال مطرح شده گفت: «جامعه آمریکا دچار شکاف شده است، به عبارتی آمریکا از وضعیت مطلوب خود که به لحاظ همزیستی مردمانی با زبان‌ها و هویت‌های متفاوت و هضم آنها در حکم دیگ مذاب بود فاصله گرفته است». باور چنین تعبیری در دو دهه پیش دشوار بود، اما با گذشت زمان و روی کار آمدن ترامپ در سال ۲۰۱۶ به مدد آرای الکترال یعنی کسب ۳۰۴ رای الکترال در برابر ۲۲۷ رای هیلاری و آن هم در حالی که با کسب ۶۲ میلیون و ۹۷۹ هزار و ۸۷۹ رای مردمی از هیلاری کلینتون که با کسب ۶۵ میلیون و ۸۴۴ هزار و ۹۵۲ رای مردمی حدود سه میلیون رای بیشتر از ترامپ داشت به درستی نظر پروفسور رمضانی بیشتر پی بردم، چرا که شکاف‌های زبانی، نژادی و فاصله طبقاتی در ایالات متحده آمریکا ابعاد بیشتری پیدا کرده بود. در دو دهه گذشته بروز رویدادهایی، فرضیه شکاف و انشقاق در جامعه و ساختار قدرت در آمریکا را تقویت کرده است. برای مثال در دوره اوباما دودستگی و شکاف در آمریکا با فعال شدن گسل‌ها در سال ۲۰۱۱ و به دنبال خروش جنبش ۹۹ درصدی‌ها خود را بیشتر نمایان ساخت و با اعتراض سیاهپوستان نسبت به کشته شدن نوجوان سیاهپوست مایکل براون به دست پلیس در فرگوسن در سال ۲۰۱۳ که تظاهرات گسترده را در بسیاری از ایالت‌های آمریکا در پی داشت این روند تشدید شد، هر چند همچنان قابل مدیریت بود.

با روی کار آمدن ترامپ و سیاست‌های تفرقه‌افکنانه و به‌رغم شعار وی معروف به «اول آمریکا»، اکنون در کارزار ترامپ و بایدن مردم آمریکا و جامعه جهانی مشاهده می‌کنند که گسل‌های چنددستگی در آمریکا چنان فعال شده که پژواک آن در سطوح مختلف جامعه آمریکا به وضوح شنیده می‌شود.

فرید زکریا، تحلیلگر برجسته آمریکایی در مصاحبه با سی‌ان‌ان به صراحت گفت: «من به عنوان یک مهاجر و به عنوان کسی که به آمریکا آمد و تصور می‌کرد وضعیتی جادویی و رویایی را شاهد خواهد بود وقتی از ترامپ، نژادپرستی عریان (صریح) را می‌شنوم به این نتیجه می‌رسم چیزی را که می‌بینم آمریکا نیست!»

این تحلیلگر صاحب نام در ادامه می‌افزاید: «آمریکا زمانی چراغ روشن دموکراسی، تکثرگرایی و گوناگونی بوده است! اصل و اساس تمجیدِ همگان از آمریکا در سراسر جهان این بود که آمریکا به نوعی توانسته این همه افراد متفاوت از سراسر جهان را دور هم جمع کند و «نخستین کشورِ جهانی» را تشکیل دهد. اما کاری که ترامپ می‌کند اساسا مخالفت با همین مساله است و در تضاد با آن قرار دارد.»

بسیاری از نخبگان و مردم آمریکا این روزها با مشاهده جنگ لفظی بین ترامپ و بایدن و توسل دو طرف به ادبیات سخیف علیه یکدیگر به شدت نگران آینده کشور خود هستند. ترامپ در چهار سال ریاست جمهوری خود هر چند در حوزه اقتصاد موفقیت‌هایی داشته، اما بسیاری از شهروندان آمریکا با کنار هم قرار دادن رفتارهای نژادپرستانه ترامپ در سرکوب اعتراضات مینیاپولیس در پی کشته شدن جورج فلوید به دست پلیس سفیدپوست، نادیده گرفته شدن متناوب قوانین و مقررات، شاخ و شانه کشیدن مرتب بین کاخ سفید و مجلس نمایندگان و ضعف در مدیریت کرونا از یکسو و پررنگ شدن ناسیونالیسم افراطی حول سیاست‌های ترامپیستی از سوی دیگر بر این باورند انتخابات سوم نوامبر فراتر از نبرد جمهوریخواه دموکرات است. پس از پیروزی ترامپ در سال ۲۰۱۶ استیون لویتسکی و دانیل زیپلات از اساتید دانشگاه هاروارد در کتابی با عنوان دموکراسی‌ها چگونه می‌میرند، نوشتند: «آمریکا دیگر الگوی دموکراسی در جهان نیست. کشوری که در آن رئیس جمهور به مطبوعات حمله کرده، رقیبش را به زندان تهدید می‌کند و رسما می‌گوید ممکن است نتیجه انتخابات را نپذیرد، نمی‌تواند مدافع دموکراسی باشد».

با این اوصاف اگر مجددا به دیدگاه پروفسور رمضانی بازگردیم ملاحظه می‌شود با گذشت دو دهه و با مشاهده فضای حاکم بر انتخابات کنونی شاهد افزایش شکاف‌های متعدد در آمریکا هستیم. به عبارتی برخلاف تفسیر رسانه‌های آمریکا که معتقدند جامعه آمریکا اکنون دوپاره شده است به نظر می‌رسد آمریکای کنونی چند پاره شده است. اکنون مردم آمریکا و دنیا فقط شاهد دودستگی سیاسی بین جمهوریخواه و دموکرات نیستند، چرا که شکاف‌های هویتی، نژادی، اقتصادی، زبانی، مذهبی و حتی رسانه‌ای، همه و همه بر انتخابات آمریکا سایه افکنده است. در چنین فضایی و با وجود پیشتازی بایدن، دموکرات‌ها به شدت نگران و اپسین روزهای این رقابت نفسگیر با ترامپ غیرقابل پیش‌بینی هستند که در لحظات آخر ممکن است معادله را به نفع خود تغییر داده، چهار سال دیگر مهمان کاخ سفید باشد. این همان کابوسی است که بسیاری امثال فرید زکریا از آن هراس دارند. به تعبیر چارلز بلو، ستون‌نویس نیویورک تایمز «ترامپ در حال ساخت ارتشی از سفیدپوستان نژادپرست، جنسیت‌زده و بیگانه‌هراس است که به خوبی در معرض دید است».

با وجود دست بالای نامزد دموکرات‌ها در نظرسنجی‌ها، هنوز باخت ترامپ قطعی نیست و طرفدارانش به پیروزی وی امید دارند.

اما شانس بالایی نیز هست که ترامپ در این کارزار پیروز نشود. در آن صورت این نگرانی وجود دارد که چگونه ترامپ خشمگین و آن طرفداران سفیدپوست عصبانی وی، به این شکست و تحقیر واکنش نشان خواهند داد و این همان موضوعی است که نشان می‌دهد رقابت کنونی بایدن و ترامپ دوئلی فراتر از انتخابات است. دوئلی که به باور بسیاری از تحلیلگران آمریکایی آژیر خطر بروز جنگ داخلی در این کشور را پیشاپیش به صدا درآورده است. شمارش معکوس پنجاه و نهمین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در روزهای پایانی در حالی آغاز شده که آن دسته از مردم و نخبگان آمریکا که از سیاست‌های ترامپ دل خوشی ندارند روزهای پر استرسی را سپری می‌کنند.

ریشه هراس این طیف از شهروندان آمریکایی در این واقعیت نهفته است که در صورت پیروزی ترامپ در این دوئل، سرنوشت آمریکا چه خواهد شد.

شهروندان آمریکایی که این روزها به کم و کاستی‌های بایدن واقف هستند و وی را آن چهره مطلوب و کاریزماتیک خود نمی‌دانند اما ناچار به حمایت از وی هستند از خود می‌پرسند اگر ترامپ برنده این دوئل باشد چه بر سر آمریکا خواهد آمد.

مخالفان ترامپ تردید ندارند آمریکایی که سکان آن برای چهار سال آینده در دستان ترامپ باشد به احتمال زیاد به ارزش‌های پدران قانون اساسی آمریکا (جان آدامز، همیلتون، جفرسون، واشینگتن و مدیسون) پشت خواهد کرد و در دوره دوم موج ترامپیسم افراطی حتی ممکن است گسل‌های موجود جامعه آمریکا بیش از پیش فعال شده و آمریکای پرچالش کنونی به ایالاتی نامتحد و چندپاره تبدیل شود.

تلنگر

بازیگران بی‌قاعده طبیعت

علیرضا رأفتی

روزنامه‌نگار

موتورسوار می‌افتد دنبال آهو. آهو پا می‌گذارد به فرار. موتورسوار گاز می‌دهد. مغز آهو فرمان به فرار می‌دهد. مغز موتورسوار فرمان می‌دهد سرعت را کم کند که از آهو جلو نزند. مغز آهو می‌گوید باید یکی دو دقیقه با نهایت توان بدوی چون حیوان شکارچی که دنبال توست، اگر در یکی دو دقیقه پنجه‌اش به تو نیفتد خسته می‌شود و از تعقیبت بازمی‌ماند، بدو... موتورسوار از روی ساعت می‌شمارد. آهو که بیشتر از حد معمول فرار از دست شکارچی دویده، همچنان به دویدن ادامه می‌دهد و مغزش خستگی را حس نمی‌کند تا جایی که خون‌ریزی داخلی می‌کند و از شدت خستگی می‌ایستد. انگار ستاد فرماندهی مغز یک دفعه تعطیل می‌شود. یا اگر بخواهیم درام‌تر به قصه نگاه کنیم، آهو تسلیم می‌شود و با چشمان درشت به شکارچی نگاه می‌کند که: من دیگر نمی‌توانم بدوم، بیا و هر کار می‌خواهی بکن... موتورسوار آرام پیاده می‌شود و با خیال راحت چاقو را از پر خورجینش بیرون می‌کشد و با آرامش می‌رود سراغ آهویی که تکان نمی‌خورد و بازتاب نور از لبه پهن چاقویی که به گردن آهو نشسته، آخرین چیزی است که چشمان درشت حیوان می‌بیند. این یکی از روش‌های رایج شکار حیواناتی مثل آهو، بز و... است. نمی‌دانم شکارچی وقتی شب‌ها سر روی بالش می‌گذارد، نگاه مستأصل حیوان را در چشم‌هایش حس می‌کند یا نه؟ اما می‌دانم اگر انسان این ابزار و ماشین‌های مصنوعی را نمی‌ساخت و نمی‌شناخت همه چیز این دنیا داشت طبیعی پیش می‌رفت.

مثلا فکر کنید انسان هم بنا بود مثل گربه سانان شکارچی دنبال آهو بدود و مغز آهو هم همان فرمان فرار یکی دو دقیقه‌ای طبیعی را می‌داد، همه چیز به یک مسابقه طبیعی بین شکار و شکارچی تبدیل می‌شد. اما انگار انسان همیشه عادت دارد قواعد بازی را به هم بزند. انسان در بازی زندگی و تعامل با همنوعش دنبال راهی است که قواعد طبیعی را به نفع خودش به هم بزند، دیگر چه برسد به بازی طبیعی با حیوانات. از انسانی که داروهای حیاتی همنوعش را احتکار می‌کند تا در بازی خرید و فروش، چند اسکناس بیشتر به جیب بزند، از انسانی که دروغ را می‌بندد به شکمش که در بازی پست و مقام، مراحل را از همنوعش ببرد، دیگر نباید توقع داشت که موقع نگاه کردن در چشم‌های حیوانی که به استیصال رسیده و خودش را تسلیم مرگ کرده، دلش بریزد. چند روز پیش ویدئو کلیپی در فضای مجازی منتشر شد از چند جوان که سوار ماشین آفرودشان زده‌اند به کویرگردی و افتاده‌اند دنبال یک بز کوهی. بز فرار می‌کند و راننده با ماشین به دنبالش و بقیه سرنشینان هم تشویقش می‌کنند که به دنبال کردنش ادامه بدهد. چند ساعت بعد، محیط‌بان آن منطقه عکس جنازه آن بز را منتشر می‌کند که به دلیل خون‌ریزی داخلی ناشی از دویدن زیاد و خستگی، جانش را از دست داده است.

هنوز هم نمی‌دانم آن شکارچی موتورسوار وقتی به درودیوار نگاه می‌کند، چشم‌های مستأصل آهو را می‌بیند یا نه. اما من از وقتی آن ویدئو کلیپ را دیده‌ام، صدای خنده آن جوان‌ها سرم را سوزن سوزن می‌کند. یکی دو سال پیش دقیقا همین جای روزنامه یادداشتی نوشتم درباره جوانی که با خودروی چند میلیاردی‌اش کسی را زیر گرفته بود و با جسارت به مردم می‌گفت: دیه‌اش را می‌دهم! انگار همه چیز داشته در این دنیا طبیعی پیش می‌رفته تا قبل از این که انسان ابزار و ماشین‌آلات را بسازد. بعد آن ماشین‌ها پیشرفت کنند. بعد به زندگی مردم وارد شوند و بعضی‌هاشان بشوند کالای لوکس. بعد آن کالاهای لوکس برای صاحبان‌شان برتری بیاورند. بعد آن برتری به صاحبش اجازه بدهد جان را خلق خدا بگیرد و در عوض پولش را بدهد. حتما این جوانان تویوتاسوار هم خسارت کشتن آن بز را به محیط‌بانی پرداخت خواهند کرد. لطفا فاکتور را بفرستید.

درنگ

گوهری که از دست رفت

رسول نجفیان

بازیگر

کل جامعه هنری ما شاید به صدهزار نفر هم نرسد که نسبت به جمعیت ۸۰ میلیونی کشورمان واقعا چیزی نیست ولی واقعا تسهیلاتی که به هنرمندان می‌دهیم ناچیز است اما به محض این که هنرمندی فوت می‌کند تازه یادمان می‌افتد که چه گوهری را از دست داده‌ایم.

کریم اکبری مبارکه از بازیگرانی بود که خیلی متواضع و فروتن بود و برای همین خیلی اهل شکوه و شکایت و گله و گله‌گذاری نبود و برای همین خیلی کم می‌دیدیم که در برنامه‌های زنده دعوتش کنند ولی از نظر کلاس بازیگری، بسیار مرتبه بالایی داشت و حتی سکانس‌های کوتاه حضورش در فیلم‌ها و سریال‌ها هم کلاس درس است.

خیلی مهم است که بازیگری بدون ارتباط و مثلا تماس گرفتن با این و آن، وارد کاری شود و این ویژگی در کریم اکبری مبارکه در حد اعلا بود چون اصلا از آن تیپ بازیگرانی نبود که به این و آن رو بیندازد تا نقش بگیرد و یک دلیل کم‌کاری‌اش همین بود که مناعت طبع بالایی داشت. خیلی خوب زبان بدن را می‌شناخت و به‌ویژه از چشمان و دستانش خیلی خوب بازی می‌گرفت و همین باعث می‌شد وقتی در یکی دو سکانس از کاری ظاهر شود باز با صلابت حضور خود را بر کار تحمیل کند.

زندگی این نسل که خودم هم شاید عضو کوچکی از آنها باشم پر از تجربه‌های مختلف است. زمانی که ما وارد کار در تلویزیون و سینما شدیم این همه بودجه‌های میلیاردی در کار نبود و همه فقط با عشق به صحنه بود که سعی می‌کردیم کمبودها را تحمل کنیم و شرایطی را فراهم کنیم که بینندگان لذت ببرند و امثال کریم اکبری مبارکه با جان و دل ایفای نقش کردند و در این ایفای نقش ابایی نداشتند از این که همه زندگی خود را بر سر کار بگذارند. ای کاش با این نسل از بزرگان بازیگری مهربان‌تر باشیم و در زمان حیات‌شان هوای آنها را داشته باشیم. خیلی مهم است که هنرمند را تا وقتی در قید حیات است مورد تمجید قرار دهیم چون بعد از فوت دیگر هرچقدر هم که تعریف و تمجید کنیم فایده تعریف در زمان حیات را ندارد.

پیام تسلیت رئیس رسانه ملی در پی درگذشت کریم اکبری مبارکه

رئیس رسانه ملی با صدور پیامی درگذشت مرحوم کریم اکبری مبارکه را تسلیت گفت. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، متن این پیام به شرح زیر است:

انا لله و انا الیه راجعون

درگذشت **کریم اکبری مبارکه**، هنرمند پیشکسوت تئاتر، تلویزیون و سینما را به خانواده آن مرحوم، دوستان و جامعه هنری تسلیت می‌گویم. بی‌شک نقش‌هایی که اکبری مبارکه عزیز در این مدت هنرمندانه خلق کرد، در ذهن علاقه‌مندان به هنر نمایش ماندگار شده است؛ به‌ویژه نقش‌های خاصی که در دو سریال اثرگذار امام علی(ع) و مختارنامه ایفا کرد. از درگاه خداوند تعالی برای آن فقید سعید، علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت دارم.

علی عسکری
رئیس سازمان صداوسیما